

تحریف قانون اساسی یا تحریم
حقوق ملت؟! | ۹

ه | به کام دولت به پای ملت

بودجه یعنی گزارش عملکرد
سال گذشته دولتی‌ها!! | ۱۱

پرستاری شغل بسیار
شریفی است | ۱۵

۱۶ | قدس منتظر توست

پس هر کدام از تیرها مستقیماً به آن مطلب منتقل خواهید شد

نشریه گفتمان انقلاب اسلامی | بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع)

سال هشتم: شماره صد و نود و چهار | ۱۶ دی ماه ۱۳۹۹



سرمقاله فتح

عبور از تأثیر تبریک

روز پرستار امسال با سال‌های گذشته متفاوت است. حالا دیگر بر ساخت ذهنی ما از پرستار به کلی عوض شده و مفهوم «مدافع سلامت» تنها یکی از ابعاد این گستره معنایی جدید است که کرونا برای مان به ارمغان آورده است. کرونا اگرچه آتش به عالم زد و زندگی‌های بسیاری را مختل کرد اما

از سوی دیگر چشم‌های ما را گشود تا نادیده‌انگاری پرستاران را پایان دهیم و تا حدودی به عمق اهمیت این حرفه پی ببریم. البته شعارهای خوش‌رنگ و لعاب درباره اهمیت پرستاران پیش از کرونا هم وجود داشت. هر سال روز پرستار مجری‌های تلویزیونی تبریک‌های تصنعی‌شان را تقدیم پرستاران می‌کردند و اگر وقت برنامه اجازه می‌داد؛ چندکلامی درباره اهمیت پرستاران شعار می‌دادند و تمام. با غروب آفتاب همه چیز تمام می‌شد. دیگر حرفی از پرستار نبود تا روز پرستار سال بعد که دوباره همان مجری‌های تلویزیونی ردیف شوند و تئاتر تبریک را آغاز کنند. و خب البته که این تئاتر مختص پرستاران نیست. شبیه همان اتفاقی است که هر سال کارگران با آن مواجهند. یازدهم اردیبهشت هر سال سیل تبریکات به مناسبت روز کارگر به سمت کارگران روان می‌شود و همه در رسانه‌ها به مدت ۲۴ ساعت از عرق جبین کارگر حرف می‌زنند. ۲۴ ساعت که تمام شد، روز از نو روزی از نو. باز هم کارگر می‌شود شهروند طبقه صفری که هیچ رسانه‌ای بلندگوی اعتراضش نیست. انگار فقط همین یک روز محترم است. آن هم برای اینکه بشود سوژه‌ی سلفی اصحاب سیاست. قصه پرستاران هم همین است. در سال‌های اخیر همواره پرستاران معترض مناسبات موجود در نظام سلامت بوده‌اند؛ نظاماتی که ربط و نسبت پرستار و پزشک را به نحوی شکل داده که انگار با نظام کارگر  و کارفرما طرف هستیم. این

مطالبات البته منحصر در حقوق دریافتی پرستاران نیست و ابعاد دیگری هم دارد. به طور کلی تغییرات نظام سلامت کشور در سال‌های اخیر یک بازنده‌ی ثابت داشته و آن هم جامعه پرستاران بوده‌اند. دلیلش شاید این باشد که آن‌ها مثل پزشکان لابی‌های قدرتمند در ساختار قدرت ندارند. شاید اگر آن‌ها هم یک علی‌اکبر ولایتی در ساختار قدرت داشتند مثل پزشکان

هیچوقت در تغییرات باخت نصیب‌شان نمی‌شد. پرستاران اما شاه‌مهره نداشته‌اند و خب همواره بازنده تغییرات بوده‌اند و بدتر از آن اینکه صدای اعتراضات صنفی‌شان همواره توسط همان رسانه‌های تبریک‌گو، بایکوت



شده است. اگر چه حتی کرونا هم نتوانست به شکل کامل این نگاه به جامعه پرستاری را تغییر دهد اما حداقل توانست رسانه‌ها را مجبور کند که برای بازنمایی پرستاران کمی از تئاتر تبریک عبور کنند و پرداخت دقیق‌تری به مطالبات و حرف‌های ناگفته‌ی آن‌ها داشته باشند. همین پرداخت دقیق تر امروز باعث آگاهی جامعه از واقعیت پرستاری و فشار اجتماعی برای حمایت حاکمیت از این قشر شد و توانست تا حدودی مطالبات آن‌ها را به عملی شدن نزدیک کند. بنابراین



می‌توان گفت رسانه نقش کلیدی در این زنجیره دارد. رسانه اگر به تئاتر تبریک و تسلیت محدود شود هیچ فشار اجتماعی به حاکمیت نخواهد آمد و نظامات موجود درست یا غلط به حرکتشان ادامه خواهند دارد. بازنده‌ها بازنده خواهند ماند و فقط اصحاب لابی برنده خواهند بود. اما اگر نهاد رسانه از تئاتر تبریک عبور کند و ورای شعارهای پوچ و بی‌حاصل، نمایی واقعی از مطالبات طبقات و صنف‌های دیده نشده ارائه بدهد در واقع نیمی از مسیر حل مشکلات آن‌ها را هموار کرده است. حل مشکلات این طبقات و صنوف نیازمند فشار اجتماعی است و رسانه کاتالیزور ایجاد این فشار است. کاتالیزوری که متأسفانه خودش برای کارا شدن نیازمند کاتالیزورهایی از جنس بحران کرونا دارد!



به کام دولت به پای ملت

یادداشت تحلیلی



از ماه گذشته که دولت لایحه بودجه را تقدیم مجلس کرد، تحلیلگران به بحث و اظهار نظر پیرامون این لایحه پرعیب پرداخته‌اند. عده‌ای اعتقاد دارند افزایش بیش از اندازه هزینه‌های جاری (یکی از اقلام اصلی آن مربوط به حقوق کارمندان و بازنشستگان و افزایش آن است) در این بودجه وقتی دولت برای آنها منابع پایدار مثل

مالیات نتوانسته فراهم کند غیرقابل قبول است. همین امر منجر به کسری تراز عملیاتی ۳۲۰ همتی شده است. انگیزه‌ی دولت از ایجاد این نوع هزینه‌های عوام‌فریبانه بیشتر از اقتصادی بودن سیاسی به نظر می‌رسد.



دولت برای کسب این میزان درآمد به روش‌هایی روی خواهد آورد که کاملاً تورم‌زا هستند و اثر این افزایش حقوق را از بین می‌برند، به عبارتی دولت درآمد را در این جیب می‌گذارد و از آن جیب برمی‌دارد. با این نوع کارها می‌خواهند



خاطره‌ای خوش در ذهن مردم به یادگار بگذارند اما به اثرات سوء آن که در آینده گریبان‌گیر اقتصاد خواهد شد توجه نمی‌کنند. از دیگر معایب اقتصادی لایحه‌ی بودجه ۱۴۰۰ میزان نسبتاً کم مخارج عمرانی یا همان هزینه‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای می‌باشد. این طبیعی است که اگر ما قصد خارج شدن از شرایط رکود را داریم باید تولیدمان را افزایش دهیم و در کوتاه‌مدت جهشی در میزان تولیداتمان داشته باشیم.



یکی از بدهیات افزایش تولید با افزایش در سرمایه‌گذاری می‌باشد. دولت اینجا به عنوان بزرگترین عامل اقتصادی کشور باید اعتبارات طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای را افزایش دهد اما

طی هفت سال گذشته سهم مخارج عمرانی از کل مصارف دولت روند نزولی داشته تاجایی که در لایحه‌ی ۱۴۰۰ به ۱۲٪ رسیده که تازه اگر استهلاک طرح‌های گذشته را نیز در نظر بگیریم سرمایه‌گذاری دولت تقریباً هیچ است که این یعنی کاهش تولید در سال‌های آتی. این در حالی است که دولت هزینه‌های جاری خودش را بشدت افزایش داده است. از دیگر نقاط سیاه این لایحه برآورد دولت از فروش ۲٫۳ میلیون بشکه نفت می‌باشد،



درحالی که ما در شرایط تحریم قرارداداریم و حتی اگر تحریم‌ها برداشته شوند هم زمان می‌برد تا بتوانیم به سطح قبل از تحریم‌ها برگردیم. مسأله‌ای که باید به آن توجه کرد این است که مشتریان نفت ایران اکنون نفت دیگری را جایگزین و سیستم‌هایشان را براساس مشخصات نفت جدید تنظیم کرده‌اند.

تغییر مجدد آن زمانبر است و درعین حال باید دید که آیا کشورها حاضرند مجدداً به ایران به‌عنوان یک تأمین‌کننده امن انرژی نگاه کنند یا خیر. مجدداً این تصمیم هم توجیه اقتصادی ندارد. اما چرا دولت این ارقام را پیشنهاد داده است؟ به نظر می‌رسد دولت نه تنها می‌خواهد بحث مذاکره مجدد و مقدمات آن را فراهم کند، بلکه می‌خواهد این مسیر را برای سال‌های آینده نیز هموارتر کند طوری که مرجح‌ترین گزینه برای ایجاد تحول در وضع اقتصادی کشور بشود؛ مذاکره. براساس پیش‌بینی‌ها دولت نمی‌تواند آن مقدار نفت بفروشد پس روی به راه‌های تورم‌زا برای تأمین منابع خود خواهد آورد. نتیجه این خواهد شد که بهترین کار این خواهد شد که شرایط فروش نفت برای ایران فراهم شود. دولت یازدهم با ایده محوری مذاکره برسرکار آمد و ایده‌ی دیگری هم نداشت. طبق این ایده تنها راه بهبود شرایط کشور را در ایجاد رابطه با بزرگترین قدرت (های) اقتصادی جهان می‌دید. حال بعد از گذشت ۷٫۵ سال و عدم توفیق



در ایجاد بهبود، دولت عملاً قصد دارد روی کارآمدن ترامپ را علت اصلی اوضاع پیش آمده نشان دهد. این رویکرد در اعداد و ارقام موهومی لایحه بودجه‌ی ۱۴۰۰ به وضوح نمایان است. این بودجه می‌خواهد این پیام را مخابره کند که ما اقتصادمان را دوباره می‌خواهیم به نفت و مذاکره و خواست ابرقدرت‌ها گره بزنیم. بودجه‌ها هر ساله ملاحظات سیاسی هم نیز داشته‌اند اما غلبه‌ی



این ملاحظات نسبت به ملاحظات اقتصادی کشور در لایحه بودجه ۱۴۰۰ کشور را به سمت روزهای سیاه‌تر روانه خواهد کرد. با توجه به ابعاد سیاسی لایحه بودجه ۱۴۰۰ این گونه به نظر می‌رسد که تنظیم‌کنندگان بودجه بیشتر از آن که به فکر حرکت دادن کشور در مسیر حل معضلات اقتصادی بوده باشند به فکر هل دادن کشور به سمت امیال سیاسی خودشان بوده‌اند.

تحریف قانون اساسی یا تحریم حقوق ملت؟!؟

یادداشت کارشناس

به نظر می‌رسد تحصیل در رشته حقوق ولو تا مقطع دکتری لزوماً درک صحیحی از ساختار سیاسی و قانونی کشور به انسان نمی‌دهد؛ آری این درک همان چیزی است که جریان تحریف با آن مقابله می‌کند! مطابق اصول مسلم و روشن قانون اساسی کشور، از جمله اصول ۱۲۱ تا ۱۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی، رئیس جمهور منتخب مردم موظف است در چارچوب قوانین کشور امانتی را که به عنوان پست ریاست جمهوری به او داده شده، حفظ کند و وظایف خود را که قوانین کشور مشخص کرده بر اساس منافع ملی و تامین حقوق ملت بویژه حقوق سیاسی-اقتصادی انجام دهد. این قوانین مصوب نهادهایی همچون مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام و یا شوراهای عالی کشور می‌باشد. بدیهی است کلیه قوانین کشور باید از نظر مغایرت با شرع و قانون اساسی توسط نهادهای مهمی چون شورای نگهبان بررسی شوند. حتی مصوبات هیئت دولت نیز قابلیت ابطال توسط رئیس مجلس و دیوان عدالت اداری را دارند و شأنی ذیل قوانین دارند. نکات فوق الذکر خود نشانه آن است که دولت در امر تقنین و سیاست‌گذاری باید عملاً نقشی منفعل داشته باشد و این کاملاً منطقی نیز هست، زیرا دولت قوه مجریه است و باید قوانین را اجرا کند نه آنکه به تفسیر مغایر با نص و روح حاکم بر قصد قانون‌گذار و تأویل دور از هدف آنها بپردازد، تفسیر قوانین کار خود مجلس و



تفسیر قانون اساسی کار شورای نگهبان است! آئین نامه های دولتی نیز صرفاً برای اجرای بهر قوانین و تنظیم امور اداری بنا بر اصل ۱۳۸ است و نه بیشتر. اما تمام آنچه گفته شد ظاهراً روی کاغذ معنا دارد و با دولتی مواجه هستیم که شأن مفسر برای خود قائل است و فکر می کند هر برنامه ای که خودش بخواند را می تواند در مملکت پیاده کند، عباراتی مشابه «کسی نمی تواند برای دولت خط و مشی تعیین کند! ۹۹/۹/۱۹» یا «قوانین را طبق تفسیر خود اجرا می کنیم. ۹۹/۹/۲۴» و یا «مجلس نظارتی بر دولت ندارد. ۹۹/۱۰/۱» حاکی از یک درک تحریف شده از قوانین و اصول حقوق اساسی در کشور است!

آری جریان تحریف با احدی شوخی ندارد و برای رسیدن به هدفش هرکاری می کند تا حقایق را منحرف کند. این روزها جریان تحریف، در حوزه حقوق و سیاست هم خودنمایی می کند. سخنان رهبرانقلاب درباره خنثی سازی تحریم را به رفع تحریم از طریق مذاکره تحریف کردند و بقدری فاجعه عظیم بود که دفتر رهبرانقلاب واکنش صریح و قاطعی به آن نشان داد! آری نباید سخن پیرفرزانه انقلاب را فراموش کرد که: «اگر جریان تحریف شکست بخورد، جریان تحریم قطعاً شکست خواهد خورد...». باید بیش از پیش به این سوالات فکر کرد: چرا دولت در اجرای قوانین ضد استکباری و ضد استعماری و ضد فساد اهمال کاری می کند؟ آیا دولت ارائه دهنده منشور حقوق شهروندی، حقوق ملت بویژه حقوق اقتصادی را در روزهای سخت ناشی از فساد فراموش کرده است؟ چه ارتباطی میان جریان تحریف و جریان تحریم وجود دارد؟! آیا جریان تحریف خود کاسب تحریم است؟! خود کاسب تحریم است؟!!



بودجه یعنی گزارش عملکرد سال گذشته دولتی‌ها!!

یادداشت تحلیلی



نگاه سنتی به تعریف بودجه، نگاهی منحصر به پیش‌بینی درآمدها و مخارج آتی بوده و ذهن کارشناسی را از توجه به عملکرد گذشته دولت‌ها و اولویت‌های آن‌ها بازمی‌دارد. این تمایز نگاه سبب ایرادات ساختاری در نگارش لوایح بودجه در سال‌های گذشته بوده و هست که نه تنها اعداد به جهت واقعیت هیچ انطباقی با وضعیت حال کشور نداشته بلکه

هیچ ارتباطی با برنامه‌های توسعه که غالباً توسط خود این دولت‌ها تدوین و ارائه می‌شود؛ ندارد. لذا می‌توان از بودجه به عنوان سند عملکرد دولت در سال‌های



گذشته و بیان غیرمستقیم اولویت‌های آتی نام برد. دولتی که عملکرد ۸ ساله آن نه تنها در جهت بهبود شاخص‌های مختلف رفاه اجتماعی گامی برنداشته و تغییر مثبتی در آن‌ها ایجاد نکرده بلکه وضعیت رفاهی مردم را تحت الشعاع قرارداد به یکباره نمی‌تواند در بودجه سال آینده خود دم از حرکت در جهت بهبود وضعیت مردم بزند. حال با این نگاه به بررسی اجمالی اعداد و ارقام لایحه بودجه ۱۴۰۰ می‌پردازیم: نگاه به جداول کلان بودجه حاکی از آن است که دولت مدیر به اختلاف



۳۱۹ همت (بخوانید هزار میلیارد تومان) در درآمد و هزینه اذعان داشته به عبارتی می توان گفت که دولت محترم نه تنها در نگاه اول هیچ توجهی به درآمدهای خود نداشته بلکه هزینه ها و پول پاشی های سال آخراز اهمیت دوچندانی برخوردار بوده است. افزایش ۱۱۰ درصدی واگذاری دارایی های سرمایه ای (بخوانید فروش نفت و دارایی و...) و افزایش ۷۱ درصدی واگذاری دارایی های مالی (بخوانید فروش اوراق) نیز حکایت از توسل دولت به افزایش پایه پولی و جبران کسری بودجه ساختاری خود دارد که نمی توان نتیجه ای غیر از دامن زدن به تورم های مضمّن را توقع داشت. در بخش درآمدی دولت که عمدتاً متشکل از مالیات و عوارض گمرک و... می باشد نگاه دولت فخمه جالب توجه به نظر می رسد. افزایش ۹٫۹ درصدی درآمدهای پایدار نسبت به قانون بودجه ۱۳۹۹ با وجود افزایش ۷۶ درصدی هزینه های جاری، به خوبی نشان دهنده آن است که نه تنها دولت مدبر نگاه جدی به این درآمدها نداشته بلکه تعارفات سیاسی و بده بستان های بین سازمان برنامه (نوبخت) و وزارت اقتصاد و امور دارایی (درپسند) نسبت به نظرات کارشناسی نقش پررنگ تری در ارائه بودجه متناسب برای اداره کشور داشته است. حال آنکه میتوان از مالیات و سایر اقلام این ردیف به عنوان درآمدهایی نام برد که نه تنها تاثیری بر رشد پایه پولی و به تبع آن افزایش نقدینگی و رشد تورم نداشته بلکه عاملی است برای کنترل این نقدینگی سرگردان و بهبود وضعیت نابسامان اقتصادی کشور. واگذاری دارایی های



سرمایه‌ای به عنوان پاشنه آشیل جبران کسری بودجه دولت و اداره کشور در لایحه ۱۴۰۰ نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. افزایش ۳۱۲ درصدی سهم فروش نفت در لایحه ۱۴۰۰ نسبت به قانون بودجه ۱۳۹۹ و وابستگی ۴۰ درصدی کل بودجه به نفت در خوشبینانه‌ترین نظرات کارشناسی مؤید آن است که نه تنها دولت محترم نگاهی به حذف طلای سیاه از ساختار رسمی نظامات بودجه ریزی نداشته بلکه امیدواری به بایدن و رفع تحریم‌ها سبب شده تا وابستگی به نفت نسبت به سال گذشته در حدود ۳۰ درصد افزایش یابد.

حال آنکه این افزایش به معنای استفاده از سهم آیندگان برای رفع نیازهای فعلی بوده و این خیال‌واهی در صورت تحقق نیز اثرات هولناکی را برای ساختار بیمار اقتصاد کشور در پی دارد. پیش‌بینی فروش ۲،۳ میلیون بشکه در



سال آتی در حالیکه در سال جاری تاکنون در خوشبینانه‌ترین حالت ۶۰۰ تا ۸۰۰ هزار بشکه نفت به فروش رفته خود مهرتائیدی است بر وجود اعداد و ارقام غیر واقعی در لایحه بودجه سال آینده. یکی دیگر از موارد جالب در لایحه بودجه ۱۴۰۰ سهم واگذاری سهام شرکت‌های دولتی در سال آتی است. در پیش‌بینی دولت مدبر برای تأمین منابع لازم برای هزینه‌ها، ۹۵ همت سهم واگذاری سهام شرکت‌های دولتی است. در حالیکه در



۸ ماهه اول سال ۱۳۹۹ که سال طلایی بازار سرمایه بوده تنها ۳۵ همت از این سهام‌ها واگذار شده است. و تحقق این مقدار برای سال آتی به جهت نبود زیرساخت‌های بازار سرمایه از نگاه کارشناسان امکان‌پذیر نیست. سهم‌یارانه نقدی در لایحه بودجه ۱۴۰۰ نیز هیچ تغییری نسبت به سال‌های قبل نداشته و همان ۴۵۵۰۰ تومان در نظر گرفته شده است. اما نگاه به آمارها به خوبی نشان می‌دهد که قدرت خرید این مقدار نسبت به سال ۹۸ تاکنون ۳۰ درصد



کاهش یافته و این خود حاکی از آن است که نگاه دولت به بدنه محروم و مستضعف جامعه همان نگاه حداقلی هم نیست. این‌ها همه ذره‌ای بود در اقیانوس وسیع لایحه بودجه ۱۴۰۰. لایحه بودجه ای که رنگ و بوی مناسبات

سیاسی به خود گرفته است. لایحه بودجه‌ای که نگاه به جنگ اقتصادی و شرایط کنونی اقتصاد ایران در هیچ جای آن مشهود نیست. لایحه‌ای که حکایت از عملکرد دولت در ۸ ساله گذشته در حوزه اصلاح نظامات مالیاتی و ایجاد درآمد پایدار داشته است. لایحه‌ای که توسعه زیرساخت‌های کشور (هزینه عمرانی) در آن ۱۲ درصد رشد داشته ولی ریخت و پاش‌های غیرهدفمند ۷۶ درصد. لایحه‌ای که مناسبات سیاسی و دلبستگی به توافق با غرب و رفع تحریم‌ها دو وجه اصلی آن را شامل می‌شود.

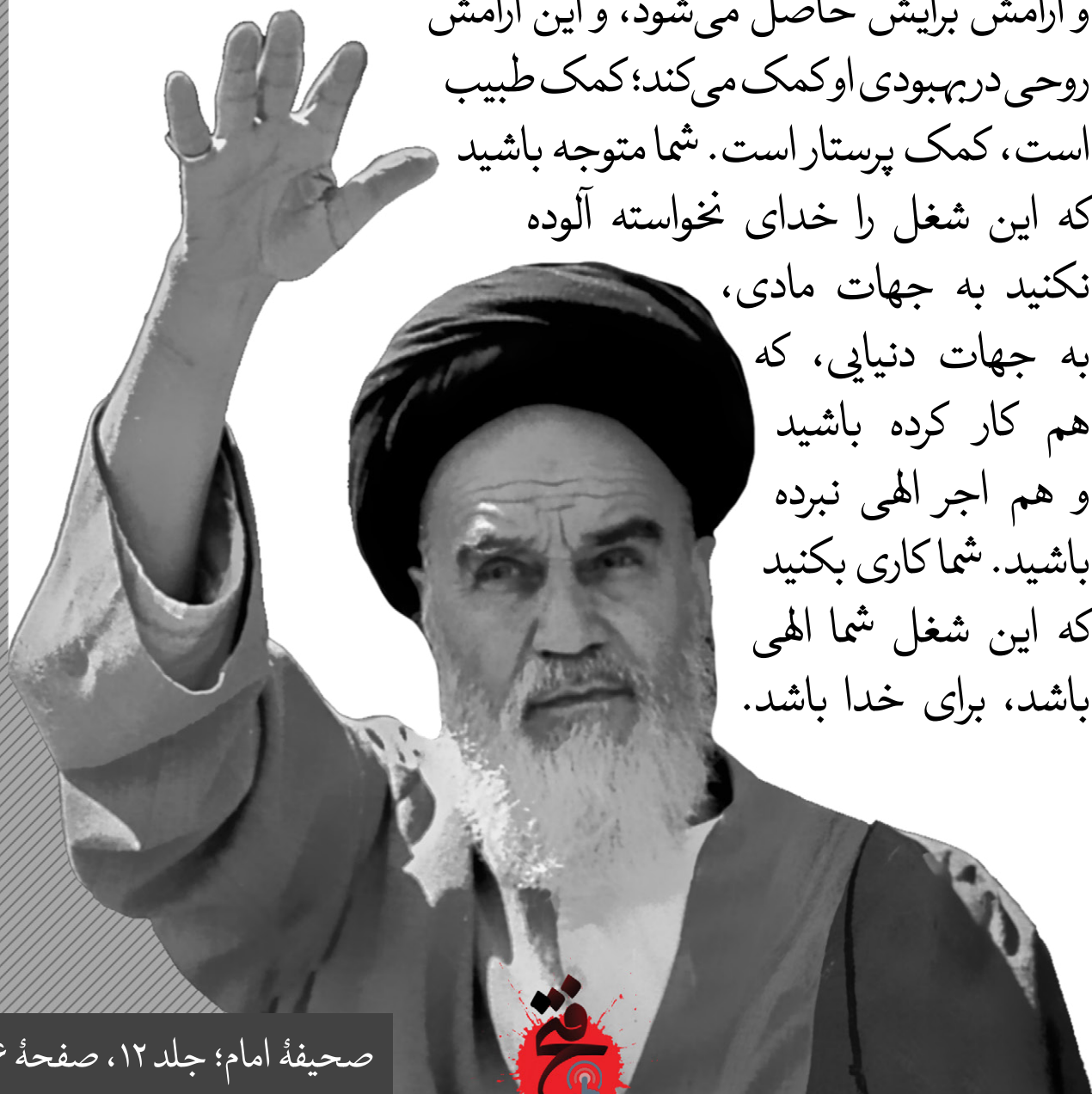


پرستاری شغل بسیار شریفی است

شما متوجه باشید که شغل شما شغل بسیار شریفی است و از آن طرف مسئولیتش هم زیاد است. مسئولیتش را خود شما می‌توانید جبران بکنید، به محبت کردن به مرضی. **اینها احتیاج دارند به محبت، بیش از آنکه احتیاج به دوا دارند.** یک مریضی که از خانه‌اش آمده است در بیمارستان، این مریض خودش را مثل اینکه یک غریب می‌داند. اگر این پرستارها با او با ملایمت، با رفتار انسانی، با محبت، مثل برادر و خواهر با او رفتار کنند، این حس غربت از او منفصل می‌شود و آرامش برایش حاصل می‌شود، و این آرامش

روحی در بهبودی او کمک می‌کند؛ کمک طبیب است، کمک پرستار است. شما متوجه باشید که این شغل را خدای نخواستہ آلوده

نکنید به جهات مادی، به جهات دنیایی، که هم کار کرده باشید و هم اجر الهی نبرده باشید. شما کاری بکنید که این شغل شما الهی باشد، برای خدا باشد.



قدس منتظر توست

تشهد سحرشاهدان کرب و بلائی
شهود هر شبه ی آیه های سرخ خدایی
شهادت آینه و بازتاب آینه های
شهید را خودت آینه ی تمام نمایی
خلاصه این که دلاور خلاصه شهیدایی
در این میانه بنام مدافعان حرم را
شناختند چه زندانه خاندان کرم را
که جای پای شهیدان گذاشتند قدم را
به دست خوب کسانی سپرده اند علم را
مدافع حرم عشق با تمام قوایی
بدابه سالک عرفان اگر فساد بگیرد
و سبک زندگی اش بوی انجماد بگیرد
خوشا کسی که سردار اجتهاد بگیرد

رسد به رتبه ی حلاج و از تو یاد بگیرد
به حاج همّت و چمران قسم، خود از عرفایی
بتاز تا صف آل ذلیل رایش کافی
سرقبایی از این قبیل رایش کافی
سپاه ابرهه و فرق فیل رایش کافی
و قدس منتظر توست، نیل رایش کافی
برای حضرت موسای این زمانه عصایی
در آن طرف حججی ها خراب چشم سیاهش
در این طرف دل جامانده هاست چشم به راهش
و قاسمان سلیمانی اند خیل سیاهش
در آب های کف دست کیست چهره ی ماهش
پس ای بهار، پس ای برق ذوالفقار کجایی؟
مهدی جهاندار



صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع)

فتح؛ نشریه گفتمان انقلاب اسلامی | شماره ۱۹۴

سر دبیر: سید سجاد داودی

جانشین مدیر مسئول: محمد احسان پور صفا

مدیر مسئول: هادی ژیان

دبیر هیئت تحریریه: حسین محمدی

جانشین سر دبیر: مجتبی رفعت

محمد علی طیرانی

هیئت تحریریه: علی آبکار

محمد نائج

علیرضا عقیلی

FathISU.ir را در فضای مجازی دنبال کنید

